دو ماه پس از شکستن سد سی‌متری پساب کارخانه سرب دماوند آلودگی‌های ناشی از آن هنوز پاکسازی نشده است

مرگِ سربی «کلاونگاه»

- اهالی روستای کلاونگاه می‌گویند در سال‌های گذشته کارگران معدن سرب در این روستا به بیماری‌های تنفسی مبتلا شده و فوت کرده‌اند
- اهالی این روستا در دو ماه گذشته درباره چرایی پاکسازی نشدن زمین‌هایشان از سرب، اعتراض‌های زیادی کرده‌اند
- عضو شورای کلاونگاه: خبرهای غیررسمی‌ای شنیده‌ام از این که قصد دارند کارخانه را دوباره راه بیندازند، شکایت می‌کنیم

سد پساب کارخانه سرب کلاونگاه

مهتاب جودکی | سبزعلی تورانی، زکریا توکلی، رضا رحیمی و علی پیش‌آهنگ چهار نفر از ۳۰نفری بودند که سرب معدن در جوانی آنها را کشت. آنها که در عکس‌های سیاه و سفید، مردانی کت و شلواری‌اند با موهای سیاه، رفته‌رفته مردند. زنده‌ها هنوز در «کلاونگاه» سرب را نفس می‌کشند؛ فقط آدم‌ها نه؛ زمین هم به پساب معدن و کارخانه سرب «دماوند» آلوده شده؛ مزرعه‌ها، دشت‌های حاشیه آبادی و رودخانه هم.

اهالی کلاونگاه، که روستایی در «نور» مازندران است، برای دادخواهی وکیل گرفته‌اند. تمام مردان آبادی سابقه کار در این کارخانه را دارند، اما بعد از بلاهایی که به سرشان آمد، حالا فقط سه نفر برای کارگری در معدن و کارخانه مانده‌اند. معدن سرب قرار بود مردم را سر کار ببرد و رونق آبادی باشد، اما نشد. در عوض «آبادی» از روستا رفت و پساب آلوده به فلزات سنگین هر جا که نشست، روییدن گیاهان ممنوع شد.

سد سی‌متری پساب کارخانه سرب دماوند که وقتی باد از سرش می‌گذرد، غباری سربی را به روستا می‌کشاند، همیشه نشتی داشت و فاضلابش هیچ‌وقت تصفیه نمی‌شد. کسی از صاحبان معدن عین خیالش نبود تا این که اول آبان سد شکست و در زمین‌ها جاری شد؛ در زمین‌های کشاورزی و در منطقه حفاظت‌شده «البرز مرکزی شمالی.» سرب جاری که ۲هزار مترمربع از زمین‌های محیط زیست و یک‌هزار متر مربع از زمین‌های مردم را آلوده کرد و ردی ۳کیلومتری از سرب تا پایین دره روستا جا گذاشت، مردم دیگر ساکت ننشستند. محیط زیست مازندران هم از کارخانه‌داران شکایت کرد. اهالی که این همه‌سال تحمل کرده بودند، وقتی دیدند قرار نیست کسی برای پاکسازی بیاید، عکس مرده‌هایشان را دست گرفتند و به سمت سد سربی به راه افتادند.

در آن جامعدنی تأسیس گردید
که هر سربی در آن تغلیظ گردید*

وکیل آبادی می‌گوید که «نقی» شهید زنده است. آنها که به دلیل سرب، سل و انفجار در این معدن جان داده‌اند به کنار، پرونده پزشکی نقی توکلی، ۶۲ساله هم به شکایت اهالی از کارخانه ضمیمه شده است. در گزارش پرونده نوشته شده که او سابقه کار در معدن کلاونگاه را دارد و از ۵ ماه قبل سرفه‌های خشک داشته و سمع کرامل در ریه‌ها.

مردم مرده‌هایشان را شاهد می‌آورند که معدن با آنها چنین کرده و جان جوانشان را گرفته. «کارگران کلاونگاه را قانع کردیم که از کارخانه بیرون بیایند. فقط سه نفر مانده‌اند که به ما اعتراض می‌کنند و می‌گویند ساکت باشید. معیشت دیگری ندارند. می‌گویند نانمان را آجر نکنید.» مهدی رحمانی، وکیل کلاونگاه که پدربزرگش در ۴۷ سالگی با عوارض کار در معدن از دنیا رفته، این‌طور می‌گوید. شاکیان پرونده از اداره‌های محیط زیست و بهداشت استعلام گرفته‌اند و منتظر نتیجه دادگاه‌اند.

«از آلودگی آب می‌ترسند»

اهالی به زبان محلی‌شان به «کلاونگاه» که بیشتر از ۲۸۵۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و «بام مازندران» است، می‌گویند «کَلوَنگاه». روستا در کنار آزادکوه است. وکیل می‌گوید که وقتی جاده چالوس نبود، «کَلوَنگاه» گذرگاهی بین محله‌های شمالی تهران با استان مازندران بود: «آب و هوای خوش تابستان و بهار و برف زمستان همه را به این منطقه می‌کشاند. شکارگاه این‌جا در زمان پهلوی مورد توجه شاه و درباریان بود. آنها که به این جا تردد داشتند، سنگ‌های زینتی را دیدند. معدن را غلامرضا، برادر شاه رژیم سابق تأسیس کرد. حالا در کلونگاه یک معدن دونا است و یک معدن قربانی. قربانی همان است که قبلا شکارگاه بود.»

شروعش سال سی بود بعد سیصد
به دینامیت و باروتش دلی سرد*

معدن و کارخانه سرب دماوند (دونا) بعد از انقلاب اسلامی به نفع بنیاد مستضعفان مصادره شد. در تمام این سال‌ها پساب کارخانه روی هم جمع شد و منطقه وسیعی را اشغال کرد. مردم کم‌کم مهاجرت کردند و از روستا رفتند «چون هم از آلودگی خاک و سبزی‌ها می‌ترسیدند و هم آبی برای خوردن نداشتند. هیچ‌کس جرأت ندارد از آب لوله‌کشی روستا بخورد، چه رسد به رودخانه. همه از شهر آب معدنی می‌خرند.» زمانی ۱۵۰ خانوار در این آبادی زندگی می‌کرد و تعدادشان کم‌کم به ۵ خانوار رسید، اما وقتی قرار شد در اعتراض به آلودگی کارخانه تجمع کنند، دو هفته بعد از شکستن سد «۷۵ نفر» جمع شدند و در تجمع بعدی در روز اربعین ۱۲۰ نفر از اهالی روستا سینه‌زنان تا سد خاکی پیش رفتند و شعرهایی درباره مرده‌هایشان خواندند. بعد از این تجمع مدیرعامل کارخانه عوض شد، اما آلودگی‌ها را پاک نکردند.

> **عضو شورای کلاونگاه: کارخانه مدعی شده فعالیت‌شان مشکل تنفسی درست نمی‌کند و هر چه بوده مال سال‌های قبل از انقلاب است اما مگر وقتی معدن و کارخانه را از شرکت بهره‌بردار خریدند، در امتیاز و سود و ضررش شریک نشدند؟**

«دادگاه، مدیرعامل کارخانه را احضار کرده. بعد از این سر و صدا، به بهانه لایروبی رودخانه، ۲۰ درخت کهنسال را در زمین‌های پایین‌دست شکستند. ما هم شکایت جدیدی مطرح کردیم. بعد که سر و صدا شد، بخشی از پساب را برای حفظ ظاهر جمع کردند، اما لایه‌های رسوبی در زمین رفته و مگر این که ۱۰ متر بکَنند تا آن‌جا پاک شود. چند وقت پیش کارخانه‌دارها با لودر آمدند و تپه‌های اطراف سد را هم خراب کردند. می‌خواستند روی سرب‌ها خاک بریزند تا از دور عادی به نظر برسد. به ما فشار آوردند برای مصالحه، بحث صلح و سازش را پیش کشیدند. ما هم گفتیم هر وقت پاکسازی کردید، قبول می‌کنیم اما محال است که این خاک پاک شود. محیط زیست تهران را آوردیم تا از این وضع بازدید کند و گزارشش را به عیسی کلانتری، رئیس سازمان محیط زیست برساند. نماینده ما در مجلس هم آمد و دید.» کلاونگاه مثل گذشته سرسبز نیست. کلاونگاهی‌ها در کانال تلگرامی روستا به جز عکس مرده‌هایشان که روزی در کارخانه کار می‌کرده‌اند، تصاویری از رودخانه‌ای می‌فرستند که پساب آن را از بین برده و دشت سرسبزی که سال‌هاست هیچ سبزه‌ای ندارد.

۹سال بعد از فیلم من سد شکست

سال ۸۷ «شاهپور محمدی» به «نور» رفته بود تا فیلمی درباره نیما یوشیج بسازد، اما وقتی به کلاونگاه رسید، «شاعر طبیعت» را نیمه‌کاره رها کرد تا مستندی درباره این روستا بسازد و اسمش را بگذارد «طبیعت‌سربی».

«دره نور ۳۰ روستا دارد که با اشعار نیما در ارتباط است. می‌خواستیم این روستاها را ببینیم. به «الیکا» رسیده بودیم، روستای کناری کلاونگاه.» رئیس شورا که دم‌ودستک گروه فیلمسازی را دید، فکر کرد آنها از تلویزیون آمده‌اند و شروع کرد به گفتن از مشکلات کلاونگاه. «گفت این پساب، این دریاچه، این مخزن، این آلودگی، این هم کارخانه. من هم گروه فیلمسازی را فرستادم تهران و قصه دیگری نوشتم برای یک مستند داستانی با موضوعی انسانی. می‌خواستم آموزش بدهم که حق نداریم صرف مال‌خواهی محیط زیست را آلوده کنیم.» فیلم در هفته مستند به نمایش درآمد و تقدیر شد. «مامور شدم که با استفاده از فیلم صدای مردم را به دولت برسانم. با افتخار پاشنه را کشیدم. پروژه اصلی‌ام را رها کرده‌ام و برای تعطیلی این کارخانه می‌جنگم.» او بعد از ساخت «طبیعت سربی» فیلم را پیش معصومه جوادی، معاون احمدی‌نژاد و رئیس وقت سازمان محیط زیست برد: «گفت برو بیرون ۱۰ دقیقه دیگر صدایت می‌کنم. در این فاصله با مدیرکل محیط زیست مازندران تماس گرفت و آنها گفتند که کارخانه خیلی وقت است تعطیل شده. بعد صدایم کرد و گفت شما دارید به ما تهمت می‌زنید. فقط دعا کرد که ان‌شاءالله آلودگی در کلاونگاه نباشد.» مسئول بعدی انوشیروان محسنی بندپی بود که آن زمان نماینده مردم چالوس در مجلس بود. بعد که رئیس سازمان محیط زیست عوض شد و محمدجواد محمدی‌زاده آمد، پیش او رفت و با آمدن معصومه ابتکار، تمام اسناد و فیلم را به او نشان داد. «داد و بیدادمان این بود که اگر روزی این سد خاکی بشکند دیگر نمی‌شود جمعش کرد. قطره قطره‌اش مواد سمی است و نمی‌شود جلویش را گرفت. ما برای جلوگیری از چنین روزی اعتراض می‌کردیم تا این که ۹ سال بعد از فیلم، سد شکست.»

سهم کلاونگاهی‌ها، هیچ

مهدی رحمانی، وکیل اهالی کلاونگاه از وب‌سایت کارخانه و معدن کلاونگاه نقل می‌کند که «کلاونگاه باارزش‌ترین معدن است» چون «سرب را ۵۷میلیون تومان می‌فروشند.»، «به کشورهای خارجی خام‌فروشی می‌کنند» و «۱۵ تیر امسال ۳۰۰تن کنستانتره فروختند؛ چیزی حدود ۱۵ میلیارد تومان.»

معدن و کارخانه دماوند با این درآمد، سودی برای روستا نداشته. «نه آسفالت دارد و نه آنتن موبایل. الیکا روستای کناری ما آسفالت دارد اما کلاونگاه هیچ‌وقت آسفالت نداشته. حالا که این سد خراب شده آقایان گفتند چه کار کنیم برایتان؟ آسفالت می‌کنیم! ما گوشمان از این حرف‌ها پر است. سلامتمان را با آسفالت تاخت نمی‌زنیم.» کلاونگاه به شهر دور است و مسئولان کمتر راهشان را به آن کج می‌کنند. «فاصله روستا تا بخشداری ۵۳ کیلومتر است.» همین است که «هزینه برای معدن‌داران به صفر رسیده» و «ضرر و زیان این آلودگی که ایجاد کرده‌اند را به مردم نمی‌دهند.»

تجمع آرام مردم در کنار سد شکسته

غبار سربی به روستا می‌رسد

حسینعلی ابراهیمی کارنامی، مدیرکل محیط زیست مازندران پیش از این به «شهروند» گفته بود که عمده سرب سد پساب این کارخانه بازچرخانی می‌شود و مقدار کمی باقی می‌ماند که آن هم محلول در آب نیست. او در عین حال تأیید کرده بود که این کارخانه جزو آلاینده‌هاست و فعالیتش مسأله‌دار. در عکس‌های منتشر شده از کلاونگاه غباری خاکی روی سد دیده می‌شود که از پساب برخاسته و مردم درباره آن نگرانند. «کوچکترین نسیمی که می‌آید خاک پساب متعفن به گلویمان می‌رود و روی گیاهان می‌نشیند. معلوم نیست از چه جنسی است که اصلا پاک نمی‌شود. وقتی روی این گیاهان باران می‌بارد، پایشان سفید می‌زند و خشک می‌شوند.» منطقه بزرگ سد پساب کانون غبار کلاونگاه و روستاهای اطراف شده. اداره بهداشت بناست این آلودگی را بررسی کند.

> **مدیرکل محیط زیست مازندران پیش از این به «شهروند» گفته بود که عمده سرب سد پساب این کارخانه بازچرخانی می‌شود و مقدار کمی باقی می‌ماند که آن هم محلول در آب نیست. او تأیید کرده بود که این کارخانه جزو آلاینده‌هاست و فعالیتش مسأله‌دار**

حدود ۵۰سال تولید پساب، حجم بزرگی از مواد آلی در گوشه‌ای از کلاونگاه جمع کرده است. سد پساب بیست‌سال پیش پر شد و وقتی صاحب زمین اجازه نداد سد را جلوتر ببرند، ارتفاعش را بالا بردند. حالا صاحبان کارخانه می‌خواهند پساب را بفروشند و برای «فروش ۳۰۰ تن کنستانتره سرب» آگهی مزایده منتشر کرده‌اند. رحمانی می‌گوید: «چند وقت پیش مشتری آمد برایش و ندادند. چون ممکن است در این پساب نقره و طلا و مس پیدا بشود، گذاشتند تا جایی که جا دارد از معادن استفاده کنند خالی که شد پسابش را می‌فروشند.»

«پس حق زنده‌ها چه می‌شود؟»

«مسئولان شرکت معدنی سرب دماوند می‌گویند که این کارخانه دیگر آلودگی تنفسی ندارد، آزمایش نشان می‌دهند و می‌گویند کارشان قانونی است اما نمونه‌های آزمایش را خود پیمانکار جمع‌آوری کرده. محیط‌زیست هم قرارشده نمونه‌های خودش را آزمایش کند. گیریم که بی‌ضرر بودن کار آنها برای سلامت ما تأیید شد، یکی جواب بدهد که آیا می‌شود ۵۰سال در یک مکان پساب تولید کرد؟ آیا این استاندارد است؟ آیا می‌شود قید مناطقی که دیگر گیاهی در آن رشد نمی‌کند را زد؟ فقط سه نفر از مردم روستا در کارخانه کار می‌کنند، اغلب کارگرانشان اتباع غیرمجازند. کارخانه مدعی شده فعالیت‌شان مشکل تنفسی درست نمی‌کند و هر چه بوده مال سال‌های قبل از انقلاب است اما مگر وقتی معدن و کارخانه را از شرکت بهره‌بردار خریدند، در امتیاز و سود و ضررش شریک نشدند؟ پس نمی‌توانند بگویند آنها که مرده‌اند مال سال‌های گذشته‌اند. پس حق زنده‌هایی که الان مشکل تنفسی دارند، چه می‌شود؟ مردم خواسته بحقی دارند و قانون به ما حق می‌دهد. بلده منطقه محرومی است و کلاونگاه محروم‌ترین روستای آن.» ایمان تورانی، عضو شورای کلاونگاه گله‌مندانه‌ها را می‌گوید.

به گوش شورای ده رسیده که قرار است در خلوتی زمستان روستا، فعالیت کارخانه را از سر بگیرند. مردم کمپینی در اعتراض به فعالیت شرکت معدنی راه انداخته‌اند و اگر تلفن آنتن بدهد و به شهر بیایند، هشتگ می‌زنند و درباره کلاونگاه می‌نویسند. «با کامیون خاک ریختند و سد شکسته را ترمیم کردند اما پساب‌ها را هنوز کامل جمع نکرده‌اند. خبرهای غیررسمی‌ای شنیده‌ام از این که قصد دارند کارخانه را دوباره راه بیندازند. ممکن است سد باز هم بشکند. ما هم به‌طور غیررسمی اعلام کردیم که اگر کارخانه باز شود، پیگیری و شکایت خواهیم کرد.»

کلاونگاهی‌ها دیگر دنبال سرسبزی روستا نیستند، چون به قول وکیل آبادی «سبزی دیگر به وجود نمی‌آید.»

• پس شما چه می‌خواهید؟

می‌خواهیم که حداقل سد دیگری به کارخانه‌شان اضافه نشود. ما تمام اراضی‌مان را از دست دادیم؛ آب و هوایمان را. رودخانه روستای کناری بوی سرب نمی‌داد، اما از وقتی سد شکسته، اهالی آن روستا هم می‌گویند رودخانه بوی لجن می‌دهد. بوی سرب و تعفن است. مگر می‌شود این همه‌سال این بو را تحمل کرد؟ باید این آب را آزمایش کنند، مردم می‌ترسند از آن بنوشند. بچه که بودیم هر جا تشنه می‌شدیم از چشمه‌های زلال می‌نوشیدیم، الان چند تا چشمه مانده و آنها هم شک‌برانگیز است. در روستا باشی و خاک داشته باشی و نتوانی سبزی بکاری و آب چشمه بنوشی، خیلی حرف است. با این همه مجازات این تخلف خیلی نیست، تهش سه ماه تا یک‌سال حبس. این را هم به جزای نقدی تبدیل می‌کنند. باز هم صاحب معدن سود می‌کند، نه کلاونگاه.

*** شعر از سابع توکلی، شاعر روستای کلاونگاه**

ضرورت تزریق امید به ورزش زنان

پروانه مافی | رئیس فراکسیون خانواده مجلس شورای اسلامی |

اهمیت ورزش برای افراد جامعه با توجه به اثرات اجتماعی مثبت آن بر همگان روشن است و بارها توسط علوم مختلف از جمله روانشناسی، پزشکی و... ثابت شده است. علاوه بر بحث پزشکی و سلامت اجتماعی که تأثیر مستقیم و معنادار بر کاهش بیماری‌های جسمی و روحی از جمله تنش‌های عصبی، اجتماعی و اختلالات ارتباطی بر جای می‌گذارد که در این نوشتار مجال بررسی این مبحث وجود ندارد، بررسی اهمیت ورزش برای زنان و مسائل موجود در بخش ورزش حرفه‌ای مدنظر است.

امروزه زنان در عرصه‌های مختلف از جمله خانواده و جامعه نقش‌سازنده ایفا می‌کنند که تأمین قوای جسمی و روحی آنان با ورزش می‌تواند در سلامت نسل، بهداشت جامعه و همچنین انجام مناسب تکالیف نقش بسزایی ایفا کند. در حال حاضر، حدود ۶۰درصد زنان مشکل کم‌تحرکی و ۵۰درصد از زنان مشکل اضافه‌وزن دارند که لزوم فراهم کردن شرایط برای تمرین‌های منظم ورزشی به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های روزانه‌شان از جمله ضروریات این قشر و سایر زنان است، زیرا انجام مسئولیت‌های سنگین مدیریت خانه، تربیت کودک و... بنیه سالم و نیرومند می‌طلبد. علاوه بر بحث سلامت جسمی، تشویق زنان برای تحرک بدنی، زمینه حضورشان در اجتماع را فراهم می‌کند که منجر به افزایش اعتماد به‌نفس و تقویت تعاملات زنان در سطح اجتماع می‌شود.

با توجه به اهمیت این موضوع، فراهم کردن امکانات زیرساختی و فضاهای مناسب برای ورزش زنان از گام‌های اولیه است، اما حقیقت امر آن است که زمینه‌سازی این تمهیدات عملیاتی نشده و فقدان امکانات و تجهیزات ورزشی از بزرگترین معضلاتی است که مانع از ورزش زنان شده است. البته این کمبودها فقط در سطح ورزش عادی و روزانه شهروندان نیست و دایره‌ای به مراتب گسترده دارد. متاسفانه در بحث ورزش حرفه‌ای این نقصان پررنگ‌تر است و فقدان فضاهای مناسب تمرینی و اختصاص بخش عمده‌ای از بودجه حوزه ورزش به ورزش مردان، با وجود درخشش زنان در سال‌های اخیر موجب فاصله گرفتن و مهاجرت ورزشکاران و قهرمانان شده است.

باید این واقعیت را مطرح کرد که زنان ورزشکار در طول دهه‌های گذشته با موانع و محدودیت‌های متعددی مواجه بوده‌اند، اما در طول این مدت با عزم و تلاش توانستند تا حدی این موانع را از پیش پا بردارند و به موفقیت‌های مهمی دست پیدا کنند؛ به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۶ اتفاق نادری در ورزش زنان رخ داد. بعد از ۶۸ سال، کیمیا علیزاده به‌عنوان نخستین زن ورزشکار در تاریخ ایران توانست به مدال المپیک دست یابد.

در بحث آسیب‌شناسی علل عدم مشارکت جدی زنان ورزشکار ایرانی و در نتیجه کاهش میزان توفیق این قشر، می‌توان به چند مسأله اساسی اشاره کرد. مسأله نخست آن است که ورزش حرفه‌ای با توجه به تعریفی که از آن استنباط می‌شود در بخش ورزش زنان تحقق پیدا نکرده است. یکی از دلایل اصلی این امر عدم کفاف درآمد حاصل از حرفه ورزش است که همین مسأله سبب دوشغله یا سه‌شغله شدن بسیاری از ورزشکاران شده است. استمرار این روند در بلندمدت زمینه نزول ارجحیت ورزش در میان ورزشکاران نسبت به سایر برنامه‌ها و کاهش کیفیت این حرفه را ایجاد می‌کند، البته این مسأله علاوه بر ورزشکاران در میان سرپرستان، مربیان و داوران زن نیز احساس می‌شود. از سوی دیگر، عدم جریان‌سازی برای تبلیغ و نبود جریان رسانه‌ای برای تشویق زنان ورزشکار موفق و معرفی‌شان به جامعه یکی از مصادیق وجود فاصله میان ورزش زنان و مردان در کشور است، هرچند در سال‌های اخیر استفاده از ابزارهای فرهنگی و همه‌شمول همچون فیلم سینمایی «از صفر تا سکو» رشد خوبی داشته و پیامدها حتی در کوتاه‌مدت نیز قابل رویت بوده است. مسأله سوم آن است که متاسفانه برخی از رشته‌های ورزشی که عمدتا بر سنین کودکی و نوجوانی متمرکز است به علت ضعف مدیریتی نتوانسته است در یک رویکرد زنجیره‌ای به سایر رشته‌های ورزشی اتصال یابد و همین امر سبب وداع بخش قابل توجهی از دختران موفق در چنین رشته‌های ورزشی‌ای (از جمله ژیمناستیک) با رشته مورد علاقه یا به‌طور کلی عرصه ورزش شده است. یکی دیگر از مسائل پیش روی ورزش زنان، عدم تعریف سازوکار مشخص و فقدان زیرساخت‌های استعدادیابی برای شکوفایی توانمندی دختران است که نباید از آن غفلت کرد.

برای توصیف وضع فعلی ورزش زنان باید به اتفاقی که در هفته گذشته روی داد، استناد کرد. مسابقه فوتسال میان دو تیم مشکی‌پوشان و مس رفسنجان در شهر مشهد، در نبود حداقل امکانات و خدمات برگزار شد و تصاویر دردناکی که از آن در رسانه‌های مجازی مخابره شد، به‌خوبی گویای واقعیت موجود است.

موارد فوق‌الذکر نشان می‌دهد که ورزش زنان با مسائل ریز و درشت متعددی دست و پنجه نرم می‌کند، البته باید اذعان کرد که حضور آقای سلطانی‌فر، وزیر فعلی ورزش و جوانان با توجه به انتصاب خانم فرامرزی به‌عنوان معاون وزارتخانه نشان داد که گوش شنوایی برای رفع مسائل ورزش زنان و پیگیری مطالبات دختران ورزشکار وجود دارد و فرصت مغتنمی است برای ورزشکاران زن که درخواست‌های خود را پیگیری کنند. زنان مجلس شورای اسلامی اهتمام جدی به منظور برقراری ارتباط متناسب و دوطرفه مابین وزارتخانه مذکور و بدنه ورزشکاران را دارند و به همین منظور در روند بررسی لایحه بودجه ۹۷ رفع کمبود زیرساخت‌های ورزش زنان و تخصیص ردیف بودجه اختصاصی برای این موضوع را در دستور کار دارند. نهایتا امیدواریم با برداشتن گام‌های تدریجی، مستمر و البته با شتابی بیش از پیش، ورزش زنان به سطحی که شایسته‌اش است، برسد.

جدول شماره ۱۳۰۹

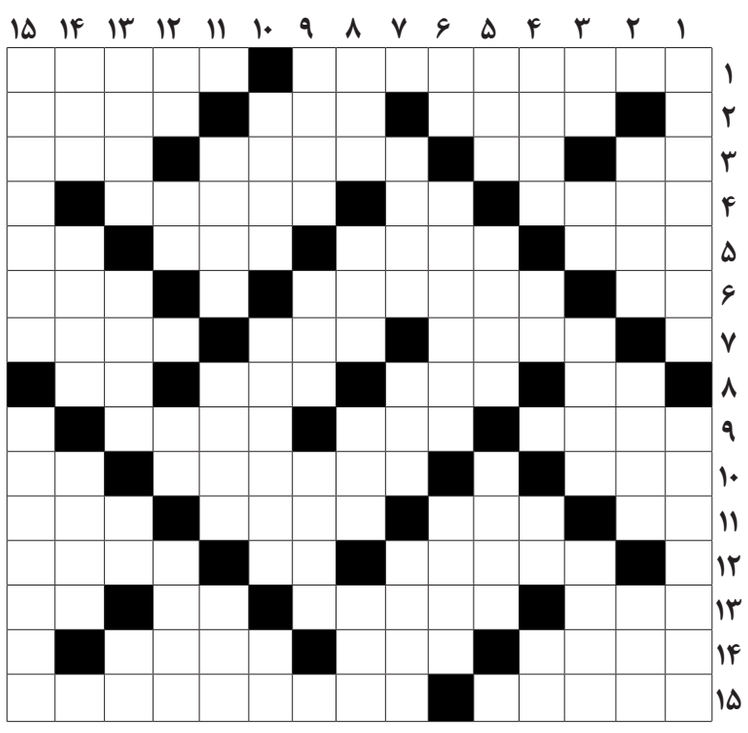

افقی

۱- آدم قناعت‌پیشه- آنچه از بین رفته است
۲- حد نهایی- طایفه کوچ‌نشین- نامیده‌شده
۳- دشمن سخت- از طوایف غیور- مکتوب و نوشته طولانی- حیوان آفریقا و آسیا
۴- حشره موذی خانگی- مادر لر- زمان طولانی
۵- نیم‌صدای عقربه ساعت- مخفی و محرمانه- صندلی راحتی- قوم ذبح شده
۶- یار شیرازی- سربلندی- موشک ضدتانک
۷- نخجیر- خالص- وزیر خارجه اسبق آمریکا
۸- کلمه تنفر- دری که خوب بسته باشد- چین و شکن- طلا
۹- شمشیر از نیام کشیدن- فرزندزاده- کار نسنجیده
۱۰- پارچه کهنه- از بین برده شده- یک و یک
۱۱- شماره و عدد- دو ناحیه سرد در شمال و جنوب کره زمین- جسد حیوان مرده- درخت
۱۲- تشخیص‌دادن- نیزه کوچک- بیابان
۱۳- ضعیف و ناتوان- جانور درختزی استرالیایی- صفت عدد- حرف دهن‌کجی
۱۴- رکنی در موسیقی ایرانی- رشته؛ نخ- محصول سینما
۱۵- بهنجار و عادی- بی‌حساب کردن دو نفر میان خود

عمودی

۱- از بناهای تاریخی اصفهان- تفسیری از قرآن اثر علامه طباطبایی
۲- نبرد تن به تن- زدم این فال و گذشت... و کار آخر شد- زادگاه حضرت ابراهیم
۳- روحانی زرتشتی- سرکه- ملاطی از آب‌وخاک و آهک- خانه‌های ریز عکس
۴- سیر جنگلی- نو و باز نشده- شهر و استانی به همین نام- به دنیا آوردن
۵- خانقاه- خون‌آشام- خمیری که خوب ور نیامده باشد
۶- ورق کاغذ- نظریه سیاسی- نان از شب مانده
۷- نام پدر حضرت ابراهیم- وسیله داد و ستد- از فروع دین
۸- سخن بیهوده- ضمیر جمع مخاطب- فیلسوف بنام آلمانی- مهار شتر
۹- کرگدن- گوسفند جنگی- قسمت پایین لباس
۱۰- ضروری- درختی باشکوفه معطر- قیمت بازاری
۱۱- فوتبال آمریکایی- بالاترین رنگ- گمراهی
۱۲- مخفف هستم- خاندان- گرد بتونه- پیامبر قوم ثمود
۱۳- در تشکیل استخوان‌ها و دندان‌ها نقشی اساسی دارد- سگ شکاری- خسیس- فلز رسانا
۱۴- درس نخوانده- سیم اتصال دلکو به شمع- از رنگ‌ها
۱۵- از قسمت‌های مغز میانی- دریایی در شرق آمریکای مرکزی
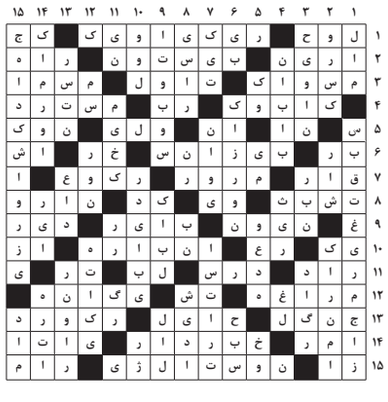
حل جدول شماره ۱۳۰۸